

پیشینه نگاه استراتژیک بریتانیا به جزایر ایرانی خلیج فارس در قرن نوزدهم

دکتر یاشار ذکی

(دانشیار دانشکده جغرافیای دانشگاه تهران)

امیرحسین بهنیک

(دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیای سیاسی دانشگاه تهران)

چکیده

بریتانیا به عنوان یک قدرت خارجی از سال ۱۶۲۲ م. در قالب کمک به ایران صفوی برای بیرون راندن پرتغالی‌ها از خلیج فارس در منطقه حضور پیدا کرد و به تدریج به کشور هژمون در این حوزه تبدیل شد، هژمونی‌ای که تا سال ۱۹۷۱ م. و اعلام تصمیم مبنی بر خروج بریتانیا از خلیج فارس ادامه پیدا کرد. حضور بریتانیا که در آغاز به نفع ایران بود به تدریج به ضرر ایران تغییر ماهیت داد و منجر به تصرف و استعمار بسیاری از جزایر ایرانی توسط این کشور گردید. هر چند دوران اقتدار بریتانیا در خلیج فارس در سال ۱۹۷۱ م. به پایان رسید؛ اما تبعات حضور این کشور در خلیج فارس تاکنون ادامه داشته است و مسأله مالکیت بر جزایر این پهنه دریایی بین کشورهای این حوزه کماکان پابرجاست. در پژوهش حاضر که به روش توصیفی - تحلیلی و با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای صورت گرفته است، کوشش شده به پیشینه، چگونگی و دلایل نگاه بریتانیا به جزایر ایرانی خلیج فارس در قرن نوزدهم پاسخ داده شود.

واژگان کلیدی: خلیج فارس، جزایر ایرانی، ایران، بریتانیا، استعمار.

۱. مقدمه

پیشینه حضور اروپائیان در شرق به امضای پیمان تردسیاس^۱ بین اسپانیا و پرتغال در هفت ژوئن ۱۴۹۴ م. باز می‌گردد. پیمانی که در پی اختلاف بین دو کشور کاتولیک مذهب پادشاهی کاستیل (اسپانیا) و پرتغال به امضاء رسید و در پی آن دنیا به دو قسمت برابر میان اسپانیا و پرتغال تقسیم گشت و آفریقا و هند را در قلمرو پرتغال قرار داد (اولسن، ۱۴۷: بی تا). در سال ۱۴۹۳ م. پرتغالی‌ها دماغه امیدنیک در جنوب قاره آفریقا را کشف کردند و واسکودوگاما کاشف پرتغالی توانست در ۱۴۹۸ م. خود را به کلکته در هندوستان برساند (عبدالرزاق جوهری، ۱۳۷۴: ۱۰۱). رویدادی که منجر به باز شدن پای اروپایی‌ها به خلیج فارس شد. پرتغالی‌ها به فرماندهی آلبوکرک در سال ۱۵۰۶ م. وارد خلیج فارس شدند و مسقط را تصرف کردند. جزیره هرمز هم سرنوشتی مشابه پیدا کرد در سال ۱۵۰۷ م. تبدیل به خراج‌گذار پرتغال شد. پرتغالی‌ها در ۱۵۱۲ م. گمبرون (بندرعباس) را اشغال کردند و در سال ۱۵۱۴ م. دوباره به هرمز حمله کردند (وادالا، ۴۱: ۲۵۳۵). پادشاهان صفوی تا دوران شاه عباس اول و به دلیل وجود امپراتوری قدرتمند عثمانی در شرق مجال توجه به

1. Tordesillas

جنوب را نیافتند تا این که پای سایر اروپاییان نیز به خلیج فارس باز گردید. در سال ۱۶۰۰ م. کمپانی هند شرقی با نام اولیه «شرکت تجار لندن که با هند شرقی معامله و تجارت می‌کنند» به دستور ملکه الیزابت یکم تأسیس گردید و نخستین کشتی انگلیسی در سال ۱۶۱۶ م. به سواحل ایران رسید (اسدپور، ۱۳۹۷: ۷۰). شاه عباس در سال ۱۶۱۶ م. فرمانی مخصوص درباره انگلیسی‌ها صادر کرد که به موجب آن: «مردم ایران می‌بایست که از تجار و مسافری انگلیسی در صورت لزوم پذیرائی کنند» (ویلسون، ۱۳۱۰: ۱۰۳). انگلیسی‌ها در سال ۱۶۱۹ م. تجارت‌خانه‌ای در جاسک تأسیس کردند و با همکاری شاه عباس، سود فراوانی به دست آوردند، امری که منجر به مخالفت پرتغالی‌ها با انگلیسی‌ها شد و در سال ۱۶۲۰ م. ایشان مانع از ورود دو کشتی کمپانی هند شرقی به جاسک شدند و بین کشتی‌های دو کشور درگیری پیش آمد و در پی آن پرتغالی‌ها شکست خوردند و از آن به بعد مزاحم انگلیسی‌ها نشدند (همان: ۱۰۹). پس از این پیروزی انگلیسی‌ها، شاه عباس در تصمیم خود برای بیرون راندن پرتغالی‌ها از خلیج فارس راسخ‌تر گردید و سرانجام پرتغالی‌ها بوسیله نیروهای متحد ایران و انگلستان در سال ۱۶۲۲ م. از خلیج فارس اخراج شدند و انگلیسی‌ها توانستند فعالیت خود را در خلیج فارس افزایش دهند (وادالا، ۶۸: ۲۵۳۵).

۲. یافته‌های تحقیق

چیزی که در حقیقت انگلیسی‌ها را در خلیج فارس ماندگار کرد، مبحث حفظ هندوستان و داشتن تسلط در مناطق اطراف آن بود (فرهمند، ۱۳۸۷: ۳۶۸). در سال ۱۶۱۲ م. و کمی پیش از رسیدن اولین کشتی انگلیسی به سواحل ایران، این کشور در شهر سورات در ایالت گجرات هندوستان، مرکز خرید و فروشی افتتاح کرد و دارای منافع اقتصادی در هندوستان گردید (پانیکار، ۱۳۴۷: ۵۴). به تدریج انگلستان با اخراج از اندونزی توسط هلندی‌ها، تمام توجه خود را به هند معطوف کرد. دولت بریتانیا در آغاز کار با حکمرانان هندی از در سازش درآمده و به آن‌ها هدیه و هزینه پرداخت می‌کرد. در بنگال بریتانیایی‌ها اجازه یافتند آزادانه به تجارت بپردازند و دو دهکده در نزدیکی کلکته را اجاره کنند. در سال ۱۷۰۸ م. دولت گورکانیان هند پنج دهکده مجاور دژ دهلی را در اختیار کمپانی قرار داد. به تدریج قدرت و نفوذ بریتانیا در هند افزایش یافت؛ به طوری که در سال ۱۷۵۰ م. و اندکی پیش از آغاز جنگ هفت‌ساله به‌عنوان نخستین جنگ همگانی بین قدرت‌های آن دوران نفوذ خود را در هند بسیار افزایش داد. پرتغالی‌ها، نخستین اروپاییان گوآ، دامائو و دی‌یو را در اختیار داشتند؛ اما توان کافی برای نفوذ در سایر مناطق را از دست داده بودند. فرانسوی‌ها مهم‌ترین رقیب بریتانیا در این دوران به شمار می‌رفتند و نمایندگی‌های تجاری در کاریکال، ماهه و شاندرگور به تجارت می‌پرداختند. بریتانیا در سورات، مدرّس، مازولی پاتام، کلکته و بخش‌هایی از بنگال نمایندگی تجاری داشت و جزیره بمبئی را پس از شکست پرتغال، کاملاً تصرف کرده بود و پادشاه بریتانیا آن را در اختیار کمپانی هند شرقی قرار داد (همان: ۹۱). فرانسویان، مهم‌ترین رقیب بریتانیا در هند به سرکردگی دوپله مدیر کل کمپانی تجاری فرانسه در هند اقدامات زیادی برای گسترش نفوذ خود انجام دادند. دوپله اعتقاد داشت که سرمایه‌ارسالی از پاریس برای گذران امور کمپانی کافی نیست و در اندیشه تقویت کمپانی به شکل یک دولت محلی در هندوستان را در سر می‌پروراند. در سال ۱۷۴۸ م. او با دو هزار سرباز در کارناتیک در نزدیکی مدرّس پیاده

شد و این سربازان را در ازای کسب امتیازات ارضی در اجارهٔ حاکمان محلی هند قرار داد. همچنین وی نخستین فردی بود که سربازان بومی هند را به شکل اروپایی تعلیم داد و با سیاستمداری تمام در مناقشات داخلی بین حاکمان محلی هندوستان دخالت کرده و شماری از آنان را در زمرهٔ دوستان و طرفداران خود قرار داد؛ اما فرانسویان در خطایی آشکار و به دلیل عدم تمایل به جنگ با بریتانیا وی را از هند فراخواندند و مهم‌ترین مهرهٔ خود را در هند از دست دادند. با این وجود با آغاز جنگ هفت‌ساله (۱۷۶۳-۱۷۵۶) فرانسه و بریتانیا در هند با یکدیگر درگیر شدند. با آغاز جنگ، فردی با نام رابرت کلایو بیش از همه برای گسترش نفوذ بریتانیا و ریشه‌کن کردن نفوذ فرانسه در هند کوشید. او چندین سال پیش از آغاز جنگ تحت عنوان منشی در کمپانی هند شرقی استخدام شد؛ ولی با نشان دادن استعداد و توانایی خود به سرعت پله‌های ترقی را پیمود. او در سال ۱۷۴۰م. در کارناتیک در مقابل دوپله اقداماتی انجام داد که نتیجهٔ چندانی نداشت. با خروج دوپله دست کلایو به شدت باز شد. با آغاز جنگ، کلایو کوشش کرد که فرانسویان را از مراکز تجاری خود در بنگال بیرون کند؛ اما فرانسویان نیز بیکار نبودند. سراج الدوله از حکمرانان مسلمان محلی که به فرانسه تمایل داشت، پیشدستی کرده و تلاش کرد تا بریتانیایی‌ها را از کلکته بیرون کند. سراج الدوله کلکته را تسخیر و ۱۴۶ انگلیسی را در اتاق کوچک و بدون منفذی زندانی کرد که منجر به مرگ اکثر آنان گردید (پالمر، ۱۳۸۹: ۴۴۹). اندکی بعد کلایو با نیروهای بریتانیا و هندیان طرفدار این کشور سر رسید و در نبرد سرنوشت‌ساز پلاسی در سال ۱۷۵۷م. نیروهای سراج الدوله و متحدان فرانسویش را شکست داد و پس از تصرف بنگال یکی از دست‌نشاندهانش را در آن‌جا مستقر کرد. پس از پایان جنگ هفت‌ساله عملاً بریتانیا، نفوذ فرانسه در هند را ریشه‌کن ساخت و نفوذ و متصرفات خود در هندوستان را گسترش داد (کندی، ۱۳۹۵: ۱۷۴). البته آن‌چه پیروزی بریتانیا بر فرانسه در هندوستان را قطعی کرد، بیشتر قدرت نیروی دریایی این کشور بود تا اقدامات رابرت کلایو. نیروی دریایی بریتانیا نه تنها اقدامات کلایو را تسهیل کرد؛ بلکه تدریجاً ارتباط قرارگاه‌های فرانسوی با یکدیگر و خاک اصلی فرانسه را قطع نمود (پالمر، ۱۳۸۹: ۴۵۰). پس از پایان جنگ بریتانیا بی‌رقیب در هند به یکه‌تازی پرداخت. در نوامبر ۱۷۶۴م. ارتش سه هزار نفری بریتانیا متشکل از ۸۰۰ انگلیسی و ۲۲۰۰ هندی به رهبری کلایو در نبرد بکسر توانست ائتلاف ۵۰ هزار نفرهٔ حکام هند را که توسط میرقاسم نایب بنگال، سراج الدوله، نواب اود (شمال هند) و عالم‌شاه دوم امپراتور گورکانی رهبری می‌شد، شکست دهد. در پی این پیروزی، بریتانیا بنگال را که در آن زمان ثروتمندترین و قدرتمندترین ایالت هند بود، به‌طور کامل در اختیار گرفت (امیراصلانی، ۱۴۰۰: ۱۱۹). با امضای پیمان بنارس در ۱۷۶۵م. پادشاه گورکانی، حقوق دیوانی را به بریتانیا اعطا کرد و در مقابل پرداخت سه میلیون روپیه سالیانه ادارهٔ بنگال، بیهار و اوریسا را به بریتانیا واگذار کرد. در پی امضای این پیمان، کمپانی هند شرقی عملاً قدرت سیاسی گرفته و از حالت تجاری به یک موجودیت و دولت واقعی در هند تبدیل شد. بریتانیا که در پی این رویدادها تبدیل به مهم‌ترین قدرت اروپایی در هندوستان شده بود، برای حفظ این مستعمرهٔ ثروتمند و پربرکت، حضور خود را در مناطق اطراف هندوستان نظیر خلیج فارس افزایش داد.

نیروی دریایی بریتانیا از سال ۱۸۰۵ م. یعنی مصادف با زمانی که ایران به دلیل جنگ با روسیه مجال توجه به جنوب را نداشت در خلیج فارس با دزدان دریایی «قاسمی» درگیر شد و امپراتوری به دلیل وجود تعداد زیادی دزد دریایی در

ساحل جنوبی خلیج فارس که آن را به «ساحل دزدان» موسوم کرده بود، نیروهای بیشتری را به خلیج فارس اعزام کرد. اما این نیروها علاوه بر مقابله با دزدان دریایی مأموریت‌های دیگری نیز داشتند که مهم‌ترین آن‌ها عبارت بود از یافتن یک جزیره مناسب در ورودی خلیج فارس برای تأسیس یک پایگاه دریایی مناسب برای نیروی دریایی بریتانیا. بریتانیا در همین سال طی عهدنامه مجمل که با ایران امضاء کرده بود، حاکمیت ایران را بر خلیج فارس و جزایر آن به رسمیت شناخت و اقدام بریتانیا مبنی بر دادن دستور برای یافتن یک جزیره مناسب برای ساختن یک پایگاه، خلاف تعهد بریتانیا در این عهدنامه به شمار می‌رفت. ماده پنجم عهدنامه مجمل که مربوط به خلیج فارس است به این شرح می‌باشد: هرگاه به اجازه شاهنشاه ایران یک عده از قشون‌های انگلیسی وارد خلیج فارس شده و در جزیره خارک یا بنادر دیگر به خشکی پیاده شوند؛ البته به هیچ وجه حق تصرف و تملک در این جزایر یا بنادر را نخواهند داشت و از تاریخ انعقاد این عهدنامه، این قشون تحت فرمان و تعلیمات پادشاه ایران قرار خواهد گرفت و عده این قشون در معاهده مفصل تعیین خواهد شد (فرهمند، ۱۳۸۷:۳۶۹). ناوگان بریتانیا در ۱۸۰۹ م. با وجود موفقیت در تخریب استحکامات قاسمی‌ها بخصوص در رأس‌الخیمه، اما نتوانست دزدان دریایی را ریشه‌کن کند. در سال ۱۸۱۶ م. بریتانیا مجدداً تلاش کرد که مبحث قاسمی‌ها را این بار با مذاکره رفع کند که موفق نشدند و پس از شکست مذاکرات، حمله نیروی دریایی بریتانیا به رأس‌الخیمه نیز شکست خورد. این شکست منجر به شدیدتر شدن دزدی دریایی در خلیج فارس شد و بریتانیا این بار در دسامبر و ژانویه ۱۸۱۹ م. ناوی جنگی به نام «عدن» را به خلیج فارس اعزام کردند. همچنین در همین سال تصمیم به نابودی کل کشتی‌های جنگی و تجاری قاسمی‌ها گرفته شد. نیروی دریایی بریتانیا در ژانویه ۱۸۲۰ م. به رأس‌الخیمه، رامس، عجمان، فشت، شارجه و دوی در ساحل جنوبی و بندر لنگه، عسلو و کنگان در ساحل شمالی یورش برد که با اعتراض ایران روبه‌رو شد. ایران اعلام کرد که قاسمی‌های ساحل شمالی اتباع ایران هستند و هرگز به کشتی‌های بریتانیا حمله نکرده‌اند. در پی اعتراض ایران بریتانیا شهرهای ساحل شمالی خلیج فارس را تخلیه کرد. در ساحل جنوبی بریتانیا موفق به نابودکردن نیروی ۱۹ هزار نفری قاسمیان گردید و بیش از ۷۵ کشتی جنگی، تجاری و قایق آن‌ها را نابود کرد یا به غنیمت گرفت (قاسمیان، ۱۳۸۷:۴۰۶). پس از این پیروزی حکومت هند بریتانیا تصمیم به ایجاد یک سیستم مراقبت و نظارت دائمی بر خلیج فارس گرفت تا از هرگونه بی‌نظمی در این پهنه آبی جلوگیری کند و نیروی دریایی هند بریتانیا در خلیج فارس مستقر شد و همچنین این نیرو به صورت غیرقانونی پایگاهی در جزیره قشم ایجاد کرد تا بتواند تنگه هرمز را نیز تحت نظر قرار دهد (جناب، ۱۳۴۹:۴۰۰). بریتانیا همچنین با امضاء قراردادی با شیخ‌نشین‌ها در همین سال نفوذ خود را بر خلیج فارس و همچنین شکل‌گیری شیخ‌نشین‌های ساحل جنوبی را آغاز کرد.

بریتانیا در این قرارداد به اهداف زیر دست یافت:

- انحصار حمل و نقل دریایی و کنار زدن رقیبان بازرگانی در هر دو ساحل جنوبی و شمالی.
- کنترل نیروی دریایی قبایل عربی و تحت‌الحمايه کردن رؤسای این قبایل برای ایجاد کنترل سیاسی بر خلیج فارس.
- استفاده از نیروی این قبایل برای نفوذ بهتر در منطقه.
- بهره‌گیری از رؤسای قبایل به عنوان یک وزنه در برابر ایران و عثمانی.

- تأمین امنیت کشتی‌های بریتانیا.
- مشروع ساختن حق نظارت در کشتی‌های دولتی و خصوصی منطقه (قاسمیان، ۱۳۸۷: ۴۰۸).

پس از استقرار نیروی دریایی بریتانیا در قشم دولت ایران به این اقدام به شدت اعتراض کرد؛ اما دولت بریتانیا به اقدام خود برای ساخت یک پایگاه ادامه داد و نیروهای این دولت در ژوئن ۱۸۲۰ م. نیز که نخست در رأس‌الخیمه مستقر بودند به بهانه مسائل بهداشتی و در حقیقت برای کنترل کشتی‌رانی منطقه وارد این جزیره شدند و پس از دو سال پس از اعتراضات شدید و پیوسته ایران جزیره را تخلیه کردند. اما در اقدامی تحریک‌آمیز به بهانه این که این جزیره تابع بندرعباس بوده و شاه نیز در سال ۱۷۹۶ م. این بندر را به امام مسقط اجازه داده است؛ جزیره را به امام مسقط تحویل دادند. پس از تحویل جزیره به امام مسقط هیچ‌گاه به طور کامل از قشم دست نکشیدند و انبار زغال و پرچم خود را در این جزیره حفظ کردند (فرهمند، ۱۳۸۷: ۳۷۶).

جزایر خلیج فارس همواره نقش اهرم فشار بریتانیا بر روی ایران را داشتند. در دوره محمدشاه قاجار در هنگام محاصره هرات توسط ارتش ایران، دولت بریتانیا از این اهرم فشار استفاده کرد. کی مؤلف کتاب *تاریخ جنگ افغانستان* درباره اهمیت هرات چنین می‌نویسد:

«هرات، چون در دامنه رشته‌جبال واقع شده که به منزله خطوط فاصله سرحدات شمالی ما می‌باشد، بدون مبالغه حائز اهمیت فوق‌العاده است و به منزله دروازه هندوستان می‌باشد و کلیه راه‌هایی که به آن مملکت منتهی می‌شود در خاک هرات با یکدیگر تقاطع می‌کنند. از نقاط واقع بین هرات و کابل مهاجمین با قورخانه (توپخانه) مختصری می‌توانند بدون آن که با موانع سختی مواجه شوند از جبال صعب‌العبور هندوکش بگذرند و اوضاع و منابع طبیعی هرات، طوری است که مهاجمین را در انجام مقصود خود کامیاب می‌سازد. کلیه موادی که برای تشکیل یک اردوی معظم مورد نیاز است در حوالی هرات موجود است. معادن سرب، آهن و گوگرد در این حدود یافت می‌شوند و اراضی اطراف تماماً مسطور از شوره است. درخت بید و چنار که بهترین زغال از آن‌ها به دست می‌آید در این ناحیه فراوان است و از خود اهالی نیز می‌توان سرباز برای عملیات جنگی استخدام نمود. حمله به هندوستان و مؤفقیت در انجام آن مقصود یا بالعکس محافظت از آن کشور و دفاع از تهاجمات دشمن بستگی تمام به تملک این ناحیه دارد.» (هنت، ۱۳۶۲: ۳۳).

دولت بریتانیا سرانجام دست به اقدام زد و نیروهای این کشور در ۱۹ ژوئن جزیره خارک را اشغال کردند و به بوشهر نزدیک شدند. مکنیل یکی از همراهانش به نام کلنل استودارت را نزد شاه فرستاد. وی با ارایه یادداشت مکنیل که در آن به او نوشته بود: دولت بریتانیا اقدام اعلیحضرت علیه افغان‌ها را به منزله خصومت علیه هند بریتانیا تلقی می‌کند، عواقب ادامه محاصره را به او گوشزد کرد (هایپرک، ۱۳۷۹: ۲۰۹). شاه سرانجام تسلیم شد. او با بیان این که ما به تمامی دعاوی و تقاضاهای دولت بریتانیا رضایت می‌دهیم؛ وارد جنگ نخواهیم شد و اگر به خاطر دوستی نبود، هرگز از محاصره هرات صرف‌نظر نمی‌نمودیم (سایکس، ۱۳۹۱: ۱۱۳۲)، در ۹ سپتامبر ۱۸۳۸ م. به محاصره ۱۰ ماهه هرات پایان داده به مشهد بازگشت (محمود، ۱۳۶۷: ۳۷۸). بریتانیا در هنگام محاصره دوم هرات توسط ارتش ایران در دوران ناصرالدین‌شاه در سال ۱۸۵۶ م. دوباره به جزیره خارک یورش برد. سپس ارتش بریتانیا به دستور آرد کانینگ حاکم جدید هندوستان برای حمله

به سواحل جنوبی ایران عازم خلیج فارس شد. نیروی دریایی بریتانیا در هفتم دسامبر همان سال با شلیک توپخانه به نخلستان هلیله در ۱۶ کیلومتری بوشهر، جنگ را آغاز نمود (انگلیش، ۱۳۸۳: ۱۱۳). در دهم دسامبر، بوشهر سقوط کرد و در هشت فوریه در پی جنگ خوشاب در چند کیلومتری برازجان، با وجود کشته‌های سنگین دولت ایران، سپاه بریتانیا نیز به دلیل ضربه خوردن به بوشهر بازگشت. در ۲۶ مارس سپاه بریتانیا به خرمشهر حمله کرد و حکمران بی‌کفایت خوزستان، خانلر میرزا پس از اندکی نبرد به اهواز عقب‌نشینی کرد. کمی بعد وی با رسیدن ۳۰۰ نفر از قوای بریتانیا قوای خود را برداشته و تا ۱۶۰ کیلومتری شوشتر عقب نشست (همان: ۱۵۱). دولت ایران پس از سقوط بوشهر درخواست صلح داد. دولت ایران در ازای تخلیه بوشهر و جزیره خارک جدایی هرات را از ایران پذیرفت. در سال ۱۸۶۸ م. بریتانیا پس از مذاکرات مفصل با دولت ایران، ایستگاه تلگرافی در جزیره هنگام تأسیس کرد. هر چند این ایستگاه در ۱۸۸۰ م. از سوی آنان تخلیه شد؛ اما همین ایستگاه تلگراف بهانه‌ای برای ورود آنان به هنگام در سال‌های آغازین قرن بیستم یعنی ۱۹۰۴-۱۹۰۳ م. ایجاد می‌کند و آنان در این سال وارد جزیره شدند و ایستگاه را دوباره فعال می‌کنند. «موسیو لبو» به ریاست این ایستگاه انتخاب می‌شود و از همان ابتدا ساکنان جزیره را ضد دولت ایران تحریک می‌کند. او پیمانی با شیخ هنگام احمد بن عبید امضاء می‌کند و پس از امضاء این پیمان بریتانیایی‌ها پیوسته به جزیره هنگام رفت و آمد کرده و به ساکنان جزیره اعلام کردند که هنگام جزوی از مسقط است و خارج از قلمرو ایران می‌باشد (فرهمند، ۱۳۸۷: ۳۷۹). در سپتامبر ۱۸۸۷ م. حاکم قشم از سوی حاجی احمدخان سرتیپ، مأمور به برافراشتن پرچم دولت ایران در جزیره سیری می‌شود. دولت بریتانیا به این اقدام دولت ایران اعتراض کرد و خواهان توضیح وزارت خارجه ایران گردید. وزارت خارجه ایران سیری را جزو قلمرو حاکم لنگه معرفی کرد؛ اما دولت بریتانیا این موضوع را نپذیرفت و جزیره را اشغال کرد. به تدریج جزایر تنب و ابوموسی نیز که مانند سیری جزوی از قلمرو لنگه بودند مورد مناقشه دولت بریتانیا قرار گرفتند.

۳. نتیجه‌گیری

دولت بریتانیا نخست مانند سایر دول اروپایی در آغاز برای بهره‌برداری از تجارت پربرکت شرق به خلیج فارس وارد شد؛ اما پس از یافتن موقعیت مناسب از بی‌سامانی اوضاع هندوستان بهره برد و جای پای در شبه‌قاره پیدا کرد. در پی پیروزی بریتانیا در جنگ‌های هفت ساله که این کشور را به بزرگ‌ترین قدرت اروپایی در هندوستان تبدیل کرد، گسترش نفوذ خود در هندوستان و حفظ این مستعمره ثروتمند به اولویت نخست لندن تبدیل شد. بریتانیا به تدریج با بهره‌گیری از بی‌توجهی دولت ایران به اوضاع جنوب در خلیج فارس حضور پیدا کرد و پس از ضعف ایران بریتانیا فرصت را برای گسترش نفوذ خود در خلیج فارس مغتنم شمرد. اقدامات بریتانیا که نخست در قالب برخورد با دزدان دریایی صورت می‌گرفت، پس از ضعف ایران از حالت استتار درآمد و این کشور آشکارا حاکمیت ایران بر جزایر خود را زیر سوال برد؛ به طوری که جزایر که حتی خود اعراب نیز بر روی آن‌ها ادعایی نداشتند را جزو از حوزه نفوذ آن‌ها می‌خواند و حاکمیت ایران را بر این جزایر نمی‌پذیرفت. می‌توان گفت دولت بریتانیا که نخست اهمیت خلیج فارس را در دفاع از هند می‌دانست به تدریج به اهمیت و موقعیت فوق‌العاده این پهنه آبی برد. اهمیتی که در پی کشف نفت در منطقه به اوج خود رسید. دولت ایران نیز در این

زمان به دلیل فاصله زیاد جزایر و تضعیف موقعیت تجاری ایران در خلیج فارس و همچنین فقدان نیروی دریایی، توجه چندانی به جزایر نداشت و تنها به ارسال مالیات سالانه و یک ابراز اطاعت ساده بسنده می‌کرد. در پی اقدامات دولت بریتانیا، ایران که اراضی وسیعی از قلمرو خود را با اقدامات بریتانیا و روسیه تزاری از دست داده بود، اقدامات جدی‌تری را برای حفظ جزایر انجام داد، هر چند زورآزمایی نهایی و بازگشت بسیاری از جزایر به زیر حاکمیت ایران در قرن بیستم و پس از مناقشاتی طولانی صورت گرفت.

۴. منابع و مآخذ:

اولسن، اوریان، (بی‌تا)، تاریخ اکتشافات جغرافیایی از آغاز تا تاریخ معاصر، ترجمه رضا مشایخی، تهران: تهران انتشارات مصور.

انگلیش، باربارا، (۱۳۸۱)، جنگ ایران و انگلیس؛ جدایی هرات، ترجمه منصوره اتحادیه و سعاد پیرا، تهران: نشر تاریخ ایران.

امیراصلانی، اردوان، (۱۴۰۰)، پاکستان؛ جانشین امپراتوری مغول هند، ترجمه آزیتا ربانی، تهران: انتشارات ماهریس.

پانیکار، کاوالام مادهاوا، (۱۳۴۷)، آسیا و استیلای باختر، ترجمه محمدعلی مهمید، تهران: انتشارات روز.

پالمر، رابرت روزول، (۱۳۸۹)، تاریخ جهان نو، ترجمه ابوالقاسم طاهری، تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر.

جناب، محمدعلی، (۱۳۴۷)، خلیج فارس و آشنایی با امارات آن، تهران: انتشارات شریعت و شرق.

- سایکس، پرس، (۱۳۶۳)، *سفرنامه ژنرال سر پرسایکس یا ده هزار میل در ایران*، ترجمه حسین سعادت نوری، تهران: انتشارات لوحه.
- سایکس، پرس، (۱۳۹۱)، *تاریخ ایران*، ترجمه محمدتقی فخر داعی گیلانی، تهران: انتشارات نگاه.
- عبدالرزاق جوهری، یسری، (۱۳۷۴)، *تاریخ اکتشافات جغرافیایی*، تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر.
- فرهمنده، علی، (۱۳۸۷)، *کشمکش‌های ایران و انگلیس در جزایر خلیج فارس*، تهران: انتشارات مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.
- قاسمیان، سلمان، (۱۳۸۷)، *دلایل انعقاد معاهده صلح عمومی ۱۸۲۰ و نتایج آن*، تهران: انتشارات مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.
- محمود، محمود، (۱۳۶۷)، *تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس در قرن ۱۹*، تهران: انتشارات اقبال.
- ویلسون، آرنولد، (۱۳۱۰)، *خلیج فارس*، ترجمه محمد سعیدی، تهران: انتشارات چاپخانه مجلس.
- وادالا، ر، (۲۵۳۵)، *خلیج فارس در عصر استعمار*، ترجمه شفیع جوادی، تهران: انتشارات سحاب.
- هنت، جی.اچ، (۱۳۶۲)، *جنگ ایران و انگلیس*، ترجمه حسین سعادت نوری، تهران: انتشارات دنیای کتاب.
- هاپکرک، پیتر، (۱۳۷۹)، *بازی بزرگ: عملیات سازمان‌های جاسوسی روس و انگلیس در آسیای مرکزی و ایران*، ترجمه رضا کامشاد، تهران: انتشارات نیلوفر.